



## کودک هیچ فرقی با بزرگسال در توان عقلانی ندارد

یک عضو هیات علمی موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران گفت: آن چه برای فلسفه برای کودکان و نوجوانان مهم است ....

نشست نگاهی نو به کودک و فلسفه؛

کودک هیچ فرقی با بزرگسال در توان عقلانی ندارد

یک عضو هیات علمی موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران گفت: آن چه برای فلسفه برای کودکان و نوجوانان مهم است آن که کودک هیچ فرقی با بزرگسال ندارد از این حیث که هر دو توان ساخت عقلانیت را دارند و عقلانیت یک امر جمعی است و هر دو می توانند وارد فرآیند بحث عقلانی و رسیدن به نرم های عقلانی باشند. در فلسفه برای کودکان آن چه مهم است، به رسمیت شناختن اینکه کودک انسان عقلانی است و توان عقلانیت ربطی به کودکی و بزرگسالی ندارد. به گزارش خبرنگار مهر، دکتر حسین رضایی در نشست نگاهی نو به کودک و فلسفه که چهارشنبه 17 مهرماه در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد طی سخنانی به تعریف مفهوم کودکی از منظر برنامه فلسفه برای کودکان پرداخت و گفت: برای این که متوجه شویم چه مفهومی از کودکی برای برنامه "فیک" مورد نیاز است لازم است مقدمه ای عرض کنم. محقق و مورخ مشهوری به نام "فیلیپ آریس" (آریه) وجود دارد که تعریف او از مفهوم کودکی بسیار معروف است. او می گوید در دوره قرون وسطی در اروپا تا قبل از قرن 13 مفهوم کودکی نداریم که این ادعا جالب و عجیب است.

وی ادامه داد: فیلیپ آریه بیشتر کارش مبتنی بر مطالعه تصاویر و نقاشی های قرون وسطی است و این نقد بر او وارد است که دیگر منابع تاریخی را در مورد کودک ندیده است، اما آریه با ارایه نظریه ای می گوید بچه ها یا خردسالان در این نقاشی ها صرفاً آدمهای بزرگ در مقیاس کوچک هستند. ظاهراً تلقی در قرون وسطی از کودکی این بوده که کودک تا یک دوره ای نیاز به محافظت دارد و بعد کم کم شروع به استقلال فردی می کند و به یک فرد بالغ تبدیل می شود و در این زمان همان کاری را باید بکند که بزرگسالان انجام می دهند. این ادعا که خیلی هم مورد انتقاد قرار گرفت به شکل خلاصه این است که مفهوم کودکی در قرون وسطی وجود ندارد. اما ادعای آریه این است که بین کودک و مفهوم کودکی فرق است و منظورش این نیست که در یک دوره تاریخی کودک وجود نداشته است.

عضو هیات علمی موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران افزود: مفهوم کودکی یک مفهوم طبیعی نیست بلکه یک برساخته اجتماعی است لذا هر آنچه که بر ساخته اجتماعی است تحت تاثیر عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، قومیتی و ... قرار دارد و تلقی ما تحت تاثیر این عوامل است.

وی در ادامه به تبیین نمونه های تلقی از کودکی پرداخت و در مورد اینکه چه مفهومی از کودک پیش نیاز برنامه فلسفه برای کودکان است، گفت: یک تلقی از مفهوم کودکی که بسیار سنتی و قدیمی است و در ادیان نیز وجود دارد این است که کودک به مثابه موجود معصوم و مفهوم کودک فرشته تلقی می شود که در قرن 20 این تلقی ادامه دارد، حتی در معنی سکولار خود کودک به عنوان عامل خیر تلقی می شود. تلقی دیگر از مفهوم کودک که این هم قدیمی است، کودک به مثابه حیوانی است که باید تربیت شود و کودک بالفطره وحشی و ادب نامموخته است و وظیفه بزرگسالان و نظام تعلیم و تربیت بار آوردن این کودک است.

شیخ رضایی افزود: اگر این دو مفهوم را کنار بگذاریم در دوره های بعدی به تعاریف دیگری می رسیم، مثلاً در کار "روسو" آن مفهوم کودک پاک و طبیعی و البته ناتوان و نیازمند به حمایت را می بینیم و پیشنهاد دیگر در مفهوم کودک بحث موجودی فاقد آگاهی است که شکل رایج آن را در کار پیاژه می بینیم. در تعریف پیاژه کودک به مثابه موجودی است که قرار است از مراحل رشد یکی پس از دیگری عبور کرده و به آن مرحله ایده آل برسد. کودک موجودی است که از جنبه های نسبتاً تاریک و ترسناک زندگی بزرگسال غافل است و هنوز معصومیتش وجود دارد. معصومیت به این معنا که هنوز از جنبه های منفی و نامطلوب زندگی دور است و فروید نیز معتقد است کودک نه اینکه دانش یا قوای جنسی ندارد بلکه کودک آگاهی به این مسایل ندارد.

وی افزود: همه این تعاریف مدل های کمبود هستند به این معنی که بر اساس نداشتن چیزی تعریف شده است اما در دوره اخیر یعنی قرن 20 بعد از اینکه تفکرات و مکاتب پست مدرن رایج شد تعاریف دیگری از کودک ارایه گردید که البته به مشهوریت تعاریف قبل نرسیده است و این مفهوم جدید از کودکی قائل به این است که کودک چه چیزهایی دارد. مثلاً کودک توانایی صرف انرژی فوق العاده دارد یا کودک توانایی نگاه غیر تکراری و اصیل و سوالات فلسفی دارد که بزرگسال ندارد و ... که نقطه مقابل تعاریف کمبودی از مفهوم کودکی را ارایه می دهد.

عضو هیات علمی موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران تاکید کرد: به نظرم هیچکدام از این تعاریف مناسب نیست چرا که نقطه مشترک همه اینها تمایز از بزرگسالی است که یکی تکیه بر نداشته ها دارد و یکی تکیه بر داشته ها دارد. پیشنهاد من برای مفهوم

کودکی نسخه تمایزی نیست بلکه مفهومی است که آریه ارایه می کند و یک جور پیوستگی و تداوم بین بزرگسالی و کودکی است. این تداوم و پیوستگی باید بر مبنایی باشد تا به کار برنامه فلسفه برای کودکان بیاید و آن این است که کودک و بزرگسال در مفهوم عقلانیت مشترک هستند لذا به جای تمایز، به پیوستگی تکیه شود که آن مفهوم عقلانیت است.

وی در ادامه تصریح کرد: به فردی عقلانی می گویند که بتواند آن چه باور دارد یا آن کارهایی که می کند را با دلایلی ارایه دهد به نظرم این تعریف از عقلانیت نقطه ضعف بزرگی دارد، چون عقلانیت را فردی گرایانه تعریف می کند در حالی که عقلانیت چیزی نیست که در ابتدا در فرد وجود داشته بشد بلکه عقلانیت یک امر جمعی است که در اثر بحث، تعامل و تبادل نظر ساخته می شود. عقلانیت فردی معنا ندارد همان طور که زبان فردی و خصوصی معنا ندارد. دوم اینکه عقلانیت مثل زبان ساخته می شود.